



دانشگاه علامہ طباطبائی

دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده

عنوان:

اثر بخشی آموزش حل مسئله بر کاهش وابستگی هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول دبیرستان
شبانہ روزی جعفر آباد مغان

استاد راهنما:

دکتر احمد اعتمادی

استاد مشاور:

دکتر پرویز شریفی درآمدی

استاد داور:

دکتر حسین سلیمی

پژوهشگر:

مریم سهرابی

تابستان ۹۰

تقدیم به مادر بزرگوار و مهربانم:

پاک ترین و دلسوزترین فرشته زندگیم که واژه مهربانی از نام بلندش شکر مکن است.

تقدیم به پدر بزرگوار و عزیزم:

فروزان ترین آفتاب زندگیم که فروغ ایثارش روشنی بخش موفقیتهای من می باشد.

تقدیم به خواهر و برادران عزیزم:

که بزرگترین مشوق من در راه کسب علم و تعالی هستند به ویژه خواهر عزیزم معصومه که

همیشه مدیون محبتهایش هستم.

از استاد عزیزم جناب آقای دکتر احمد اعتمادی که صبورانه و مشفقانه راهنمایی پایان نامه
اینجانب را بر عهده داشتند صمیمانه تشکر می‌کنم.

همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر پرویز شریفی در آمدی به خاطر اینکه زحمت استاد
مشاوری پایان نامه را داشتند تقدیر و تشکر می‌کنم.

در نهایت از جناب آقای دکتر سلیمی که قبول زحمت فرموده و داوری این پژوهش را بر
عهده گرفتند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده :

هدف : هدف این مطالعه بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر وابستگی هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول مدرسه شبانه روزی جعفر آباد مغان می باشد.

روش کار: مطالعه بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان دختر پایه اول انجام شد که به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) تقسیم شدند. ابزار مطالعه، پرسشنامه وابستگی به دیگران (روبرت ام ای - جی هرشفیلد - جی ال کلرمن - اج جی گوگ - آی بارت) بود که در مرحله پس آزمون و پیش آزمون اجرا شد. آموزش حل مسئله در ۱۱ مرحله انجام شد . داده ها بوسیله آمار توصیفی و T مستقل و با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۵ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان دهنده کاهش معنی دار ($P < ۰/۰۱$) وابستگی هیجانی در گروه آزمایش بعد از اعمال مداخله می باشد ، همچنین نتایج تحلیل آماری نشان داد ؛ خودمختاری ($P < ۰/۰۱$) و اعتماد اجتماعی ($P < ۰/۰۰۱$) به طور معنی داری بعد از آموزش حل مسئله افزایش می یابد..

نتیجه گیری : آموزش مهارت های حل مسئله بر دانش آموزان دبیرستان شبانه روزی باعث کاهش وابستگی هیجانی و ارتقاء خودمختاری و افزایش اعتماد اجتماعی می شود. و توجه بیشتر به آموزش حل مسئله را می طلبد.

فهرست مطالب :

عنوان

فصل اول : کلیات پژوهش

۱.....	مقدمه.....
۲.....	بیان مسئله.....
۶.....	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۸.....	اهداف پژوهش.....
۹.....	فرضیات پژوهش.....
۹.....	تعاریف مفهومی و عملیاتی واژه ها و اصطلاحات.....

فصل دوم : ادبیات پژوهش

۱۲.....	مقدمه.....
۱۲.....	تعاریف وابستگی هیجانی.....
۱۲.....	دیدگاه های مختلف درباره وابستگی.....
۱۳.....	نظریه انسان گرایانه.....
۱۳.....	نظریه وجودگرایی.....
۱۴.....	نظریه یادگیری اجتماعی.....
۱۷.....	نظریه روان تحلیلی.....
۲۲.....	رویکرد آموزش حل مسئله.....
۲۴.....	تعاریف حل مسئله.....

۲۵.....	دیدگاه های مختلف درباره حل مسئله.....
۲۶.....	رویکرد گشتالت.....
۲۸.....	تئوری محرک - پاسخ.....
۲۹.....	مدل های خبر پردازشی.....
۳۱.....	الگوها و راهبردهای حل مسئله.....
۳۱.....	مراحل حل مسئله.....
۳۳.....	روشهای شناختی - رفتاری در درمان حل مسئله.....
۳۶.....	موانع حل مسئله.....
۳۷.....	تحقیقات انجام شده در داخل کشور.....
۳۹.....	تحقیقات انجام شده در خارج کشور.....

فصل سوم : روش شناسی پژوهش

۴۳.....	مقدمه.....
۴۳.....	روش تحقیق.....
۴۴.....	جامعه آماری.....
۴۴.....	نمونه آماری.....
۴۴.....	روش نمونه گیری.....
۴۴.....	ابزار اندازه گیری.....
۴۵.....	روش تجزیه و تحلیل داده ها.....
۴۶.....	روش اجرای پژوهش.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

مقدمه.....	۴۸
بخش اول آمار توصیفی.....	۴۹
بخش دوم آمار استنباطی.....	۵۵

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

مقدمه.....	۵۹
تحلیل و تفسیر فرضیه اول آموزش حل مسئله.....	۵۹
تحلیل و تفسیر فرضیه دوم آموزش حل مسئله.....	۶۰
تحلیل و تفسیر فرضیه سوم آموزش حل مسئله.....	۶۲
محدودیت‌های پژوهش.....	۶۵
پیشنهادات پژوهشی.....	۶۵
پیشنهادات کاربردی.....	۶۵
منابع فارسی.....	۶۷
منابع انگلیسی.....	۷۰

پیوستها

پروتکل جلسات.....	۷۸
پرسشنامه وابستگی به دیگران.....	۸۳

فصل اول

کلیات پژوهش

داشتن مهارت های زندگی به یکی از ضروریات زندگی، برای زندگی در جوامع امروزی در آمده است. مهارت های زندگی مشابه جعبه ابزاری است که در موقعیت های مختلف زندگی می توان به تناسب موقعیت، ابزار مناسب را از درون آن بیرون آورد و از آن بهره برد تا بتوان بهترین برخوردها و مقابله را در قبال موقعیت در پیش گرفت. یکی از موثرترین و همه جانبه ترین این مهارت ها، مهارت حل مسئله است که در موقعیت های زیادی به کار می رود (احمدی، ۱۳۸۸).

موضوع حل مسئله و تصمیم گیری، مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران واقع شده است. یافته ها دال بر آنند که مهم نیست افراد در زندگی با مشکل، دردسر و گرفتاری روبرو نشوند؛ بلکه مهم آن است که در مواجهه با این گونه موقعیت ها بتوانند به شیوه ای صحیح عمل کنند. بعضی از افراد حتی قادر به برطرف کردن مسائل روزمره خود نیستند و در مقابل کوچک ترین مسئله یا انتخاب دچار پریشانی، دستپاچگی، آشفتگی و ناراحتی می شوند. در مقابل این گروه، افراد دیگری نیز وجود دارند که حل مسائل و مشکلات متنوع و مواجهه با موقعیت های چالش انگیز نه تنها در درون آن ها آشوب به وجود نمی آورد بلکه آن ها را به این سطح از خود آگاهی می رساند که نقاط ضعف خود را شناخته و برطرف نمایند. عمده ترین علت موفقیت این افراد، آن است که به هنگام مواجهه با مشکلات و گرفتن یک تصمیم از روشی منظم و مرحله به مرحله استفاده می کنند، حال آن که افراد گروه اول فاقد این توانمندی هستند.

هر مسئله یا تصمیمی ماهیتاً یک موقعیت استرس زا پدید می آورد، مادامی که فرد مسئله را به درستی حل نکرده یا تصمیم مناسبی نگرفته باشد بر شدت استرس افزوده شده و در نهایت موجب فعال شدن هیجان های ناخوشایند در او خواهد شد (شکوهی یکتا، پرنده، ۱۳۸۷).

اغلب روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بر این عقیده اند که مرحله نوجوانی و جوانی تمایز برجسته ای با سایر مراحل رشد دارد، این تمایز بیشتر به آن سبب است که یک سری تغییرات یا به تعبیری

استرس ها ، بطور همزمان و همه جانبه به نوجوان که هنوز دارای شایستگی و آمادگی لازم برای مقابله نیست ، وارد می شود ، علاوه بر آن ماهیت پیچیده و شرایط متغیر عصر حاضر، سازگاری را برای نوجوانان دشوارتر ساخته است و اگر او نتواند بطور موثر و کار آمدی با این تحولات و شرایط دشوار مقابله کند، ممکن است زمینه ساز مشکلات بعدی شود (جعفری، 1382).

نتایج مطالعات نشان می دهد ، نوجوانانی که دچار مشکلات ارتباطی (اعم از ضعف در برقراری ارتباط، ارتباط بیمارگون و وابستگی شدید) باشند راه حل های متنوع کمتری در رابطه با مشکلات خواهند داشت (سیلورستون^۱ و سالسالی، ۲۰۰۳).

در ادبیات روانشناسی و مشاوره ، روش آموزش مهارت حل مسئله منعکس کننده رویکردی در پیشگیری از ناتوانی های عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان به حساب می آید که وجود ارتباط بین مهارت حل مسئله و سازگاری افراد و پیشگیری از اختلالات رفتاری ارتباطی را مورد توجه و تاکید قرار می دهد (سیلورستون و سالسالی، ۲۰۰۳، به نقل از ایزدی طامه، ۱۳۸۸).

رویکرد درمانی حل مسئله برای کمک به نوجوانان در جهت آموزش حل مسئله بین فردی در زمینه سازگاری کلی نوجوانان و جوانان در مواجهه با موقعیت های پر تعارض و همچنین افزایش مهارت های شناختی، با هدف کمک به نوجوانان به کار می رود (گلد فرید و دیوسیون^۲، 1976، ترجمه ماهر، ۱۳۷۰).

بیان مسئله

عملکردهای انسان بر مبنای ویژگیهای شخصیتی شکل می گیرند و بر تمامی جنبه های زندگی فردی تأثیر می گذارند. در بین ویژگیهای شخصیتی، وابستگی یکی از بنیادی ترین مفاهیم است. وابستگی طبیعی طی مراحل تحول نسبت به اشخاص متفاوت و یا سازمانهای مختلف ابراز می شود، اما آنچه که در زندگی

¹. Silverstone, P.H., & Salsali, M.

². Goldfried, M. R., & Davison, G.C.

ایجاد اختلال می کند، وابستگی روان آزرده وار و کودکانه ای است که ایمنی، فرآیند تصمیم گیری و استقلال وی را تحت تأثیر قرار می دهد (نوربخش، 1384).

در واقع یکی از کشمکشهای شدیدی که فرد در زندگی با آن مواجه می شود مفهوم وابستگی هیجانی است که در ابتدا بی ضرر یا حتی سالم ظاهر می شود اما می تواند منجر به نابودی و بردگی انسان شود. گوپرتز^۱ (1969) مفهوم وابستگی هیجانی را به عنوان شرایطی که منجر به توجه، تأیید، عشق و محبت، اعتماد و نزدیکی می شود؛ تعریف کرده است

در تعریف دیگری وابستگی هیجانی به عنوان تقاضای کمک غیر ضروری بیان شده است (کولتر^۲ ، کیولتی^۳ و پالمر^۴، 1970).

افراد وابسته به منظور کسب حمایت مهرورزی و جلب رضایت دیگران بیش از اندازه برانگیخته می شوند و وابستگی آنها با تسلیم بودن در روابط بین فردی و تبعیت از درخواستها ، تقاضاها و انتظارات دیگران و تلقین پذیری همراه است (مسلینگ^۵، اونیل^۶ و جین^۷، 1981) ؛ برن اشتاین^۸ و مسلینگ^۹، ۱۹۸۵؛ اگراول^{۱۰}، 1988).

بر مبنای نظریه روان تحلیل گری، وابستگی هیجانی با وقایع دوران نوزادی (مرحله دهانی) مرتبط می باشد . نظریه پردازان روان تحلیل گر وابستگی نا سالم هیجانی را ناشی از تداوم ناکامی ارضای دهانی و نیازهای عاطفی کودک در نخستین سالهای زندگی به ویژه در طول مرحله دهانی می دانند. بر عکس ارضای بیش از حد نیاز های دهانی در طول نخستین مرحله رشد می تواند انتظارات نیاز های دهانی را که

¹.Gewirtz ,J.L

².Colter,S.

³.Quilty, R.F.

⁴.Palmer, R.J.

⁵.Masling, J.M.

⁶.O'Neill,R.M.

⁷.Jayan,C.

⁸.Bornstein, R.F.

⁹.Masling, J.M.

¹⁰.Agrawal,K.

ارضاء کننده است افزایش دهد، در این روش تلاش وابستگی در کودک تشدید می- شود(پارانز^۱ و سائول^۲، 1971)

رفتار وابستگی هیجانی که در بین کودکان در طول نخستین سالهای زندگی متداول است ؛ در دوران نوجوانی تداوم میابد و توسط روانشناسان رشد گرا به عنوان نشانه ناکامی افراد در رسیدن به جنبه ای از مهمترین تکالیف رشد یعنی استقلال مطرح می شود(کامرون^۳، 1967).

بالبی^۴ (1958) با انتقاد از نظریه های روان تحلیلی در تکامل وابستگی، از اصطلاح دلبستگی به جای وابستگی هیجانی صحبت می کند. مطابق دیدگاه جان بالبی ، مهم ترین دلیل تداوم و پیوستگی بین تجربه دلبستگی کودکی و دلبستگی در دوران نوجوانی الگوهای فعال درونی است . پژوهشها نشان دهنده ی تداوم دلبستگی از کودکی به سال های مدرسه است و در صورت بروز اختلال در تحول بهنجار، رفتارهای مبتنی بر دلبستگی به صورت رفتارهای نابهنجار وابستگی در می آید که تحت تأثیر متغیرهای متعددی مانند سن و جنس می باشند(لائو^۵، ۱۹۸۰؛ سینگ^۶ و اوج ها^۷، ۱۹۸۷).

در بررسی طولی تفاوت های جنسی در مورد وابستگی، وابستگی بیشتر دختران نسبت به پسران را در سنین مدرسه نشان داده اند و این تفاوتها را حاصل تمرینهای اجتماعی نقش جنسی دانسته اند(مک کوبی^۸ و جک جک لین^۹، ۱۹۷۴؛ به نقل از برن اشتاین، ۱۹۹۲).

مهارت های زندگی گروه بزرگی از مهارت های روانی اجتماعی و میان فردی می باشد که به افراد کمک می کند تا تصمیمات خود را آگاهانه اتخاذ کنند، بطور مؤثری ارتباط برقرار کنند، مهارت های مقابله ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و پرباری را داشته باشند (قاسم آبادی، ۱۳۷۳).

1. Parens, H.

2. Saul, L.H.

3. Cameron, H.

4. Bowlby, J.

5. Lao, R.C.

6. Singh, R.R.

7. Ojha, H.

8. Maccoby, F.E.

9. Jacklin, C. N.

اکثر پژوهش‌هایی که اثر بخشی آموزش مهارت زندگی را بر روی سلامت روان دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی متفاوت بررسی کرده‌اند به نتایج معنی‌داری دست یافته‌اند (محمودی راد، ۱۳۸۶، کهرازی، ۱۳۸۲، فورنریز^۱، ۲۰۰۷).

متخصصان معتقدند مدرسه می‌تواند نقش مهمی در ارائه خدمات بهداشت روانی به دانش‌آموزان و خانواده‌ها ایفا کند. خدمات مربوط به بهداشت روانی جنبه پیشگیرانه دارد و می‌توان با آموزش مهارت‌های اجتماعی و روش‌های حل مسئله از بروز اختلالات کودکان و نوجوانان پیشگیری کرد (هولتزمن^۲، ۱۹۹۷). مهارت حل مسئله یکی از کارکردهای ذهن است که اکتساب آن معمولاً به آموزش نیاز دارد. حل مسئله فرآیند چند مرحله‌ای تعریف شده که در آن فرد باید رابطه میان تجارب گذشته و مسئله موجود را دریابد و با توجه به آن راه حل مناسبی را اتخاذ کند (فونک هاوسر^۳ و دنیس^۴، ۱۹۹۲).

کسیدی^۵ و لانگ^۶ (۱۹۹۶)، سبک حل مسئله را فرآیندی شناختی- رفتاری تعریف می‌کنند که افراد با بهره‌گیری از آن راهبردهای موثر را برای مقابله با موقعیتهای مسئله‌زا در زندگی روزمره شناسایی و پیشنهاد می‌کنند.

دزوریلا^۷ و گلدفرید^۸ (۱۹۷۱) حل مسئله را فرآیندی رفتاری، خواه از نوع آشکار یا شناختی تعریف کرده‌اند که الف): انواع پاسخهای متناوب بالقوه سودمند را برای مقابله با موقعیتهای دشوار در دسترس قرار می‌دهد.

ب): احتمال انتخاب موثرترین پاسخ را از میان شقوق متفاوت افزایش می‌دهد (محمودی و صاحبی، ۱۳۸۰).

1. Forneris, T.

2. Holtzman, W.H.

3. Funkhouser, C.

4. Dennis, J.

5. cassidy, T

6. Long, C.

7. Dzurilla, T.J

8. Goldfried, M. R.

مهمترین اهدافی که در آموزش روش حل مسئله دنبال می شوند، عبارتند از آموزش چگونه اندیشیدن و نه به چه اندیشیدن است که به کودکان و نوجوانان کمک می کند تا بتوانند در مواجهه با مسایل درون فردی و میان فردی به راه حل های مختلف بیندیشند و بهترین راه حل را اتخاذ نمایند.

با توجه به نتایج مثبت آموزش مهارت های حل مسئله بر شرایط متغیر و موقعیتهای مسئله زا، در این پژوهش بر آن هستیم جهت کاهش وابستگی هیجانی دانش آموزان دختر از آموزش مهارت حل مسئله استفاده شود. به عبارت دیگر محقق در پی بررسی آن است که آیا آموزش حل مسئله بر کاهش وابستگی دانش آموزان دختر موثر است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

از نظر آماری یک پنجم جمعیت جهان را نوجوانان تشکیل می دهند که ۸۵ درصد از این جمعیت ۱/۲ میلیاردی، ساکن کشورهای در حال توسعه می باشند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸). در ایران نیز طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۲۱/۹ درصد از جمعیت را افراد ۱۰ تا ۱۹ ساله تشکیل می دهند که حدود ۱۵ میلیون نفر می باشند (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵).

نوجوانی با ویژگی هایی چون کسب هویت، استقلال در تصمیم گیری، دگرگونی تفکر، رشد شخصیت و برقراری رابطه اثربخش با دوستان و همسالان خود را نشان می دهد. در واقع یکی از عوامل مهم در شکل گیری رفتارها، افکار، نگرش ها، احساسات، آرزوها و به طور کلی شخصیت نوجوانان، ارتباط با دوستان و هم سن و سالان است. به طور نسبی می توان گفت که در شش سال اول زندگی، خانواده، در شش سال دوم، معلمان و در شش سال سوم زندگی، همسالان و دوستان بیش ترین نقش را در تربیت و شکل گیری شخصیت هر فرد ایفاء می کنند.

برقراری رابطه با دوستان و هم قطاران در هر دوره ای از زندگی واجد اهمیت است. اما در دوره نوجوانی با توجه به ویژگی ها و رفتارهایی که توام با نوجوانی است، اهمیتی مضاعف پیدا می کند. علاوه بر آن در

دوران نوجوانی، همسالان مهم ترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد بازی می کنند. در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می کند، اما مشکلات فکری و هیجانی در نوجوانان بصورت هیجانات منفی، روند رشد و تکامل و اجتماعی شدن و ارتباطات و پیشرفت تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد (مئادوس^۱، ۲۰۰۷).

ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان، موجب طرد و عدم محبوبیت می شود. شواهد پژوهشی نشان می دهند که دانش آموزان فاقد ارتباط افقی سالم، پرخاشگرترند و رفتارهای نامناسب دارند، پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیشتر رنج می برند. تجارب همسالان در دوران کودکی و نوجوانی با سازگاری بعدی آنها مرتبط است. کسانی که در دوران کودکی و نوجوانی دچار مشکلات ارتباطی (اعم از ضعف در برقراری ارتباط، ارتباط بیمارگون و وابستگی شدید) باشند در بزرگسالی نیز مشکلاتی مانند اختلال شخصیت، دوری گزینی، بزهکاری، پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی خواهند داشت (مک کوبی و جک لین، ۱۹۷۴؛ برن اشتاین، ۱۹۹۲).

نتایج تحقیقات نشان می دهد که دانش آموزان دارای مشکلات ارتباطی، اغلب حرمت خود کلی پایینی از خود نشان می دهند. همچنین احساس حقارت و وابستگی هیجانی از ویژگیهای اساسی فرد با عزت نفس پایین است که او را به بی کفایتی و ناتوانی در تصمیم گیریهای سنجیده در رویارویی با موقعیتهای مسئله زا و فشار می دهد و به ابراز واکنشهای تکانشی و هیجانی وادار می کند (باتل^۲ ۱۹۸۷. هارتر^۳ و همکاران، ۱۹۹۱، لوچمن^۴ و لامپرون^۵، ۱۹۸۸).

^۱. Meadus, R. J.

^۲. Battle, J.

^۳. Harter, S.

^۴. Lochman, J.

^۵. Lampron, L.

سیلورستون و سالسالی (۲۰۰۳) با مقایسه دو گروه از دانش آموزان واجد مشکلات رفتاری ارتباطی نسبت به گروه فاقد مشکلات رفتاری ارتباطی دریافتند که دانش آموزان واجد مشکلات رفتاری راه حل های متنوع کمتری را به طور معنادار ایجاد می کنند.

هم چنین آنان دریافتند که آزمودنیهای دارای مشکلات رفتاری ارتباطی نسبت به آزمودنیهای بدون مشکلات رفتاری ارتباطی، تصمیمات سودمند کمتر و برانگیختگی بیشتر اتخاذ می کنند .

هرچند پژوهشهای انجام شده در زمینه رابطه متغیر حل مسئله و مشکلات رفتاری ارتباطی بسیار محدود است، اما دور از انتظار نیست که راهبردهای حل مسئله به بسیاری از درمانجویان در مقابله با مشکلات رفتاری ارتباطی کمک کند؛ چرا که احتمال دارد از شدت نشانه های مشکلات رفتاری ارتباطی بکاهند و از شروع نشانه های اختلالات رفتاری ارتباطی پیشگیری بعمل آورند (سیلورستون و سالسالی ۲۰۰۳).

با بهره گیری از روش های حل مسئله که از ساختارها و فرایندهای شناختی رفتاری است. فرد راههای موثر سازگاری با موقعیتهای و رویدادهایی را که منجر به واکنشهای رفتاری ارتباطی می شود کشف می کند .

با توجه به اینکه تاکنون درباره نمونه های ایرانی پژوهشی با این هدف انجام نگرفته است. انجام دادن پژوهشی به منظور دستیابی به تأثیر سبک حل مسئله بر کاهش وابستگی دانش آموزان ضروری به نظر می رسد. چرا که نتایج آن از نظر برنامه ریزی، توان بخشی و ارتقای سطح بهداشت روانی دانش آموزان ایرانی قابل تأمل است.

از این رو هدف پژوهش حاضر از آموزش سبک حل مسئله به دانش آموزان مبتلا به اختلالات رفتاری به صورت وابستگی هیجانی این است که یک راهبرد تطابق و سازگاری کلی که در موقعیتهای مسئله زا به کار می آید، در اختیار آنان قرار داده شود تا با بهره گیری از آن بتوان رابطه سالم را در بین همسالان ایجاد کرد.

هدف کلی تحقیق: تعیین اثر بخشی آموزش حل مسئله بر کاهش وابستگی هیجانی دانش آموزان پایه اول دختر دبیرستان شبانه روزی جعفر آباد مغان.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- آموزش حل مسئله بر کاهش وابستگی هیجانی دانش آموزان دختر موثر است.
- ۲- آموزش حل مسئله بر افزایش خود مختاری دانش آموزان دختر موثر است.
- ۳- آموزش حل مسئله بر افزایش اعتماد اجتماعی دانش آموزان دختر موثر است.

تعاریف اصطلاحات و مفاهیم

آموزش مهارت حل مسئله

تعریف نظری :

بنا به عقیده دروزیلا (۱۹۹۲)، حل مسئله به فرایند شناختی رفتاری و ابتکاری فرد اطلاق میشود که بوسیله آن فرد می خواهد راهبردهای موثر و سازگارانه مقابله ای برای مشکلات روزمره را تعیین ، کشف یا ابداع کند (غنایی، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی :

در این پژوهش آموزش مهارت حل مسئله عبارت است از آموزش کاربرد مراحل حل مسئله بر اساس روش گلد فرید و دزوریلا (۱۹۷۱) که شامل: تشخیص موقعیت، تعریف و صورت بندی مسئله، ایجاد راه حل های بدیل، تصمیم گیری و اثبات می باشد و در ۱۱ جلسه ۴۵ دقیقه ای ارائه می شود .

وابستگی هیجانی:

تعریف نظری

مفهوم وابستگی هیجانی به اعتماد غیر طبیعی در تأیید و پذیرش دیگران و همچنین تقاضای کمک از آنها در جهت تأمین اختیارات و احتیاجات فرد اشاره دارد (کامرون ۱۹۶۷).

تعریف عملیاتی:

در این تحقیق دانش آموزانی دچار وابستگی هیجانی می باشند که در خرده مقیاس وابستگی هیجانی پرسشنامه وابستگی به دیگران، نمره ۴۵ یا بالاتر به دست آورده باشند.

فصل دوم:

ادبیات پژوهش

وابستگی از مسائل بسیار مهم در روابط بین انسان‌ها بوده، در همه ابعاد زندگی او نقش اساسی دارد و برای رشد و شکوفایی زندگی انسان ضروری می‌باشد. اما وابستگی ناسا لم در بسیاری از موارد، وضعیت ناخوشایندی به نظر می‌آید. این بدان معنی است که رنج و درد ناشی از آن سبب اختلال در ابعاد عاطفی و اجتماعی زندگی فرد می‌شود و سلامت روانی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تعریف وابستگی هیجانی

مفهوم وابستگی هیجانی به اعتماد غیر طبیعی در تأیید و پذیرش دیگران و همچنین تقاضای کمک از آنها در جهت تأمین اختیارات و احتیاجات فرد اشاره دارد (کامرون^۱، ۱۹۶۷). گویرتز^۲ (۱۹۵۶) وابستگی هیجانی را به عنوان سائق اکتسابی یا شرطی که در برگیرنده توجه، تأیید، عشق و محبت، اعتماد و نزدیکی می‌باشد؛ تعریف کرده است. سیارس^۳، مک کوبی^۴ و لوین^۵ (۱۹۵۷) وابستگی هیجانی را نظام‌های انگیزشی اکتسابی می‌دانند که در برگیرنده رفتارهای طلب کمک، جستجو و تأیید می‌باشد.

دیدگاه‌های مختلف درباره وابستگی :

- ۱- نظریه انسان گرایانه
- ۲- نظریه وجود گرایانه
- ۳- نظریه روان تحلیل گری
- ۴- نظریه یادگیری اجتماعی

¹.Cameron, H.

². Gewirtz, J.L

³.Sears, R.R.

⁴.Maccoby,F.M.

⁵. Levin,